

## زندگی و مبارزات آیت الله شیخ محمد باقر رسولی رشتی

یوسف عبداللهی\*

### چکیده

آیت الله شیخ محمد باقر رسولی از علما و مجتهدان صاحب نام گیلان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی بود. ایشان پس از نیل به اجتهاد در حوزه علمیه نجف، به رشت بازگشت و به تدریس علوم حوزوی و تبلیغ دین پرداخت. او در مسجد «بادی الله» رشت نماز جماعت می خواند و به درد دل مردم گوش می داد. در زمان نهضت اسلامی جنگل از دوستان میرزا کوچک و از مجتهدین طرفدار نهضت بود که حمایت های بسیاری از نهضت کرد. با شهادت میرزا کوچک، بسیاری به کنج عزلت خزیدند و ادامه مبارزه سخت شد، ولی آیت الله رسولی در میانه میدان ایستاد و به طور جدی به مقابله با کژی ها پرداخت. ایشان بعد از آغاز سلطنت رضاشاه، تیغ تند اعتراضات خود را به دربار و اطرافیان شاه معطوف کرد و در دوره ششم مجلس شورای ملی کاندیدا شد تا مبارزات را از موضعی قوی تر ادامه دهد. دربار، روشنفکران وابسته و سفارت انگلیس تلاش نمودند تا ایشان رای نیاورد و انتخابات به صحنه کارزار بزرگ مردم رشت به رهبری آیت الله رسولی و فضل الله زاهدی (عامل وقت رضاشاه در گیلان) بدل شد که با درگیری خونین به پایان رسید. آیت الله رسولی مدت ها در تبعید و زیر نظر قرار داشت. سپس در تهران ساکن شد. در نهضت ملی شدن نفت، کاندیدای مجلس شد ولی بار دیگر، خواست دربار بر خواست مردم چربید. ایشان در تمام عمرش از مبارزه دست نکشید و همیشه برای احیای اسلام تلاش می کرد. آیت الله رسولی بعد از عمری مجاهدت در سال ۱۳۳۲ درگذشت.

### واژه های کلیدی:

آیت الله رسولی، قیام مردم رشت، گیلان، فضل الله زاهدی.

---

\* دانش پژوه سطح دو رشته تاریخ اسلام مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## مقدمه

تاریخ معاصر ایران مملو از شخصیت‌هایی است که برای کشور و دین‌شان افتخار آفریدند. جنبش تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت جنگل، نهضت ملی شدن صنعت نفت، فداییان اسلام و نهضت امام خمینی علیه السلام از بزرگترین نهضت‌های اسلامی معاصر هستند. مبارزات اسلامی مردم ایران منحصر به همین چند قیام نیست، بلکه هر زمان که کوچک‌ترین مجالی دست می‌داد و هر مکانی که موقعیتی فراهم می‌شد مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیون پاکباخته قیام می‌کردند و برای خلع ید استعمارگران و مستبدین تلاش می‌نمودند.

۱۴۱

دوره رضاشاه، تاریک‌ترین دوران تاریخ معاصر است که در آن علما و دین، زیر چنگال جریان غرب زده که می‌خواست با زور سکولاریزم را بر ایران حاکم کند قرار داشتند و حوزه‌های علمیه به سختی تنفس می‌کردند. در این ایام علما و مجتهدین در نقاط مختلف کشور علم مقابله با رضاخان را بلند کردند و دست به قیام زدند. در این میان، آیت الله شیخ باقر رسولی با رشادت جلوی مظاهر بی‌دینی ایستاد و در سال ۱۳۰۵ دست به قیام مردمی در شهر رشت زد و بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم این شهر را با خود همراه کرد. هرچند قیام آیت الله رسولی با وحشیگری سرکوب شد اما مقدمه‌ی برای پیروزی انقلاب اسلامی شد.

## سرآغاز

آیت الله شیخ محمد باقر رسولی در رشت متولد شد. مقدمات و بخشی از سطوح را در رشت فرا گرفت. سپس به نجف اشرف هجرت کرد و از آیات آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی<sup>۱</sup> و میرزای نائینی بهره علمی برد.<sup>۲</sup> شیخ باقر رسولی در نجف به مقام اجتهاد نائل شد. او به گیلان بازگشت و در مسجد «بادی الله»<sup>۳</sup> که تازه ساخته شده بود به اقامه نماز جماعت پرداخت و سطوح بالای دروس حوزوی

۱. صادق احسانبخش، دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، رشت، صادقین، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵.

۲. حسن شمس گیلانی، تاریخ علما و شعرای گیلان، تهران، کتابفروشی و چاپخانه دانش، ۱۳۲۷، ص ۱۲۸.

۳. مسجدی در محله «بادی الله» رشت است. این مسجد ابتدا به نام «بدیع الله» سید بزرگواری که در این مسجد مدفون است نامیده می‌شد اما بر اثر کثرت استعمال، امروزه به صورت «بادی الله» خوانده می‌شود.

## زندگی و مبارزات آیت الله شیخ محمد باقر رسولی رشتی

را تدریس می‌کرد.<sup>۱</sup> تا سال‌های بعد، نزد بسیاری از علمای گیلان، تقریرات درس آیت الله رسولی دیده می‌شد که نشان از مقام بالای علمی آیت الله رسولی داشت.<sup>۲</sup> او علاوه بر این که استادی برجسته بود، سخنوری بلیغ نیز بود. آیت الله شیخ یوسف نجفی جیلانی از نزدیک‌ترین دوستان وی در رشت بود که هر دو در روحیه انقلابی و مقابله صریح با ظلم و انحراف مشترک بودند.<sup>۳</sup>

در نهضت جنگل به طور جدی به حمایت و طرفداری از میرزا کوچک پرداخت. او از سال‌ها قبل با میرزا کوچک و افکارش آشنایی داشت. تاریخ‌نگاران نام آیت الله رسولی را در زمره کسانی که در تقویت «هیأت اتحاد اسلام» - که هسته فکری نهضت جنگل بود - بسیار کوشیده، ذکر کرده‌اند.<sup>۴</sup>

شهادت میرزا کوچک، ناامیدی شدیدی در کسانی که به فکر مبارزه مسلحانه بودند به وجود آورد، ولی آیت الله رسولی نه تنها از مبارزه خسته نشد، بلکه وارد فاز جدیدی از مبارزه شد. وی در زمان رضاخان «مسجد بادی الله» را به پایگاهی علیه رژیم بدل کرد و به افشاگری جنایات رژیم رضاخان پرداخت و به مقابله فرهنگی روی آورد. یکی از کسانی که سال‌ها پای منبر وی حضور داشت درباره ایشان می‌گوید:

«در زمان رضاشاه به دلیل تقابل با دین، مساجد خلوت بودند و افراد معدودی به مسجد می‌رفتند، ولی تنها مسجدی که در رشت شلوغ بود و نماز جماعت‌های آن با شکوه برگزار می‌شد، مسجد «بادی الله» در زمان آیت الله رسولی بود. در همه ایام سال، تمام اهل محل در نماز ایشان شرکت می‌کردند، ولی ماه رمضان خیلی شلوغ می‌شد. شیخ باقر رسولی روزهای ماه رمضان بعد از نماز منبر می‌رفت. منتهی رژیم خیلی حساس بود، آگاهی و دولت همیشه یک عده مامور می‌فرستاد که ببیند او چه می‌گوید و مراقب اش باشند. او هم همیشه حالت پرخاشگری نسبت به حکومت داشت. مریدان

۱. گفتگوی نگارنده با آقای احمد سمیعی نوه آیت الله حاج ملا محمد خمایی، مندرج در سایت رنگ ایمان.

۲. صادق احسانبخش، پیشین، ص ۲۵۵.

۳. گفتگوی نگارنده با آقای شهریار نجفی جیلانی نوه آیت الله جیلانی.

۴. رسول مهربان، مقدمه ای بر قضیه ی نهضت جنگل، مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۸۴، شماره ۲۲۲ و ۲۲۳، ص ۱۶۵.



بسیاری هم داشت از جمله عده‌ی از بازاری‌های متدین از مریدانش بودند و نیز عده‌ی از فرهنگیان متعهد رشت»<sup>۱</sup>.

### قیام مردم رشت در زمان رضاخان

با شهادت میرزا کوچک راه مقابله مستقیم با استبداد و استعمار بسته شد؛ ولی علمای گیلان، روش جدیدی را در مبارزه آزمودند و تلاش نمودند به مجلس شورای ملی وارد شوند و از داخل سیستم مبارزه کنند. آیت الله شیخ باقر رسولی و آیت الله شیخ علی علم الهدی فومنی که علاوه بر نهضت جنگل، سابقه مبارزه علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی را در مشروطه داشتند، برای انتخابات ششمین دوره مجلس شورای ملی کاندیدا شدند.<sup>۲</sup> آیت الله رسولی امام جماعت مسجد بادی الله رشت بود و دروس دینی را در سطوح بالایی در حوزه‌های علمیه رشت تدریس می‌کرد.<sup>۳</sup> آیت الله علم الهدی هم امام جماعت مسجد و مدرسه علمیه حاج حسن، واقع در محله صالح آباد رشت بود و سطوح مختلف دروس حوزوی را در همان مدرسه تدریس می‌نمود.<sup>۴</sup>

در این زمان «فضل الله خان بصیر دیوان» ریاست تپ مستقل شمال و فرمانداری رشت و عملاً ریاست استان گیلان را بر عهده داشت. «فضل الله خان بصیر دیوان» همان «سرتیپ فضل الله زاهدی» است که بعدها عامل کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد که دولت ملی را نابود و شاه را به ایران بازگرداند و خودش نخست وزیر شد و پسرش

۱. گفتگوی نگارنده با آقای احمد سمیعی نوه آیت الله حاج ملا محمد خمایی

۲. تاریخنگاران، در این که آیت الله رسولی در کدام دوره از مجالس شورای ملی کاندیدا شده بود اختلاف کرده‌اند. برای حل این مسئله باید دانست که درگیری آیت الله رسولی با فضل الله زاهدی در زمان فرمانداری اش در رشت یک قول اجماعی است. زاهدی در سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ ش فرمانداری رشت را بر عهده داشت. (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۰۰) از طرف دیگر، مجلس ششم در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ ش افتتاح شد پس به طور طبیعی انتخابات آن، چند ماه قبل از این تاریخ برگزار شده بود. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶ ص ۱) با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که آیت الله رسولی در مجلس ششم کاندیدا شده بود.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای احمد سمیعی نوه دختری آیت الله حاج ملامحمد خمایی، مندرج در سایت رنگ ایمان. برای اطلاعات بیشتر درباره آیت الله رسولی رک حسن شمس گیلانی، پیشین، ص ۱۲۸ و نیز صادق احسانبخش، پیشین، ص ۲۵۵-۲۵۶.

۴. صادق احسانبخش، پیشین، ص ۳۹۷.

اردشیر زاهدی داماد و از نزدیکان محمدرضا پهلوی بود.<sup>۱</sup>

«احمد عمارلویی» و «شریعت گیلانی» از طرف «فضل الله خان بصیردیوان» کاندیدا شدند. مردم این دو نفر را مولود اراده زاهدی و مورد تمایل ژنرال کنسول انگلیس می دانستند. از آنجا که زاهدی و کنسول انگلیس مورد تنفر مردم بودند، این انتخابات به رقابتی بین مردم و زاهدی بدل شد.<sup>۲</sup> کسانی که خود را «روشنفکر» یا «منور الفکر» می نامیدند و غالباً مطبوعات و رسانه در دست آنها بود و ادعا می کردند که «مشروطه» و «رای مردم» برایشان خیلی مهم است، به حمایت از عمارلویی و شریعت گیلانی پرداختند! گروهی از آنها به نام «هیئت آزادی خواهان حقیقی گیلان» بیانیه‌ی صادر کردند و از مردم خواستند تا به احمد عمارلویی و شریعت گیلانی رای دهند. آنان از «آزادی خواهی» دم می زدند ولی در عمل از کاندیدای مورد حمایت دیکتاتور وقت - رضاخان - طرفداری کردند.<sup>۳</sup> گروهی دیگر از طرفداران مشروطه و آزادی با عنوان «هیئت اصناف طهران» طی بیانیه‌ی از مردم گیلان درخواست کردند که به احمد عمارلویی رای دهند. مردم رشت از اینکه می دیدند عده‌ی از این افراد داعیه طرفداری از رای مردم و مشروطه دارند ولی از کاندیدای مورد حمایت کنسولگری انگلیس، طرفداری می کنند، ناراحت بودند.<sup>۴</sup>

زاهدی برای از میدان به در کردن رقیب در شهر شایعه کرد که روحانیون حق ورود به مسائل سیاسی را ندارند، چرا که امور دینی و مذهبی با امور سیاسی در تعارض است. این حربه در فضای آن روز ناکارآمد بود چرا که مردم سال‌ها مبارزات سیاسی - اجتماعی علما و مجتهدین را در نهضت مشروطه و بعد از آن در نهضت اسلامی جنگل دیده بودند. فرماندار رشت که اوضاع کاندیداهای مورد حمایت اش را نامطلوب دید،

۱. عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چ سوم، ۱۳۷۰، ص ۲۵۳.

۲. علی امیری، میرزا احمد خان عمارلویی و انتخابات دوره ششم گیلان، فصلنامه پیام بهارستان، دوره دوم، سال سوم، تابستان ۱۳۹۰، ویژه نامه تاریخ مجلس ۲ ضمیمه شماره ۱۲، ص ۸۱۲.

۳. همان، صص ۸۱۱-۸۱۴.

۴. همان، صص ۸۰۸-۸۱۰.

ادامه رقابت با مردم را به مصلحت ندانست و دست به ابتکار دیگری زد. او به مقابله با مردم پرداخت و به طور جدی شروع به قلع و قمع حامیان آیت الله رسولی و آیت الله علم الهدی کرد. مردم اعتراض کردند و در مدت کمی ده‌ها هزار نفر از مردم رشت به رهبری آیت الله رسولی در تلگرافخانه رشت متحصن شدند. بسیاری از علما نیز آیت الله رسولی را همراهی کردند. مردم بازارها را بستند و شهر به حالت نیمه تعطیل در آمد. آنها خواستار ایجاد شرایط عادی و عادلانه برای برگزاری انتخابات شدند.

زاهدی با لجاجت بر موضع‌اش پای می‌فشرد و به هیچ قیمتی تسلیم خواست مردم نمی‌شد. اعتصاب عمومی شروع شد و بازارها بسته شد. این اعتصاب بیش از یک ماه ادامه داشت. کم‌کم احساسات مردم به شهرهای مجاور هم سرایت کرد و مردم سایر شهرهای گیلان هم به اظهار همدردی با مردم رشت پرداختند. در همین اوضاع زاهدی، آیت الله رسولی را دستگیر نمود و به جنگل‌های دور دست فومن تبعید کرد و عده‌ای از نزدیکان آیت الله رسولی را نیز به جنگل‌های طالش تبعید کرد.<sup>۱</sup>

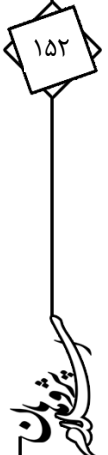
ابراهیم فخرایی می‌گوید: «حاجی شیخ باقر رسولی به دستور زاهدی دستگیر و به فومن تبعید شده بود و در آنجا «نورمحمدخان تهمتن» به اشاره زاهدی با رسولی بد رفتاری‌ها می‌نمود و انواع آزار را در حق‌اش روا می‌داشت.»<sup>۲</sup>

مردم به خاطر دستگیری آیت الله رسولی و اهانت به ایشان، خشمگین شده و به تظاهرات پرداختند و شهر را سیاهپوش کردند، گویا که حادثه‌ای چون عاشورا در حال وقوع بود. زاهدی دستور داد نیروهای تیپ شمال به مردم حمله کنند و آنها را مورد ضرب شتم قرار داده و کسانی را که تظاهرات می‌کردند دستگیر کنند. جمعیت بسیاری دستگیر شدند به طوری که در ۲ روز اول، زندان رشت و حیاط وسیع شهربانی مملو از جمعیت شد. دستگیری‌ها ادامه یافت و فضای دژبانی و سربازخانه رشت را هم به این امر اختصاص دادند.

از سوی دیگر، به دستور زاهدی «انجمن نظارت بر انتخابات» مشغول قرائت

۱. عبدالله شهبازی، پیشین، ص ۲۵۴.

۲. رضا رضازاده لنگرودی، یادگارنامه فخرایی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۹۸.



## زندگی و مبارزات آیت الله شیخ محمد باقر رسولی رشتی

آراء ساختگی بود. مردم از سرکوب و خفقان شدیدی که زاهدی ایجاد کرده بود نهراسیدند. چندین هزار نفر از مردم کفن پوش به سمت محل شمارش آراء رفتند. ماموران شروع به تیراندازی کردند، درگیری خونینی بین مردم و دسته‌های مسلح و سرباز و پلیس رخ داد و عده‌ی از مردم به شهادت رسیدند. مردم وارد محوطه انجمن نظارت شده و صندوق را در اختیار گرفته<sup>۱</sup> و به آتش کشیدند. این مسأله باعث شد که انتخابات رشت باطل شود و هیچ کس در این دوره از مجلس شورای ملی به عنوان وکیل رشت انتخاب نشد.<sup>۳</sup>

این حرکت دو اثر داشت، اثر اول آن بود که نمایندگان قلابی به مجلس راه نیافتند و اثر دوم آن بود که زاهدی به خاطر عدم توانایی در اداره منطقه، برکنار شد.<sup>۴</sup> کسانی که خود را روشنفکر می‌نامیدند از مردم حمایت نکردند. آنها که دم از «آرای مردم» می‌زدند، نه تنها به حمایت از مردم رشت برای گرفتن حقوق شان نشتافتند؛ بلکه مردم را به خاطر اصرار بر مطالبه حقوق شان، مورد مواخذ قرار دادند. یکی از آنها در مقاله‌ای در حمایت از عمارلویی می‌نویسد: «[عمارلویی] به علت تشدید اختلافات و مقاومت لجوجانه‌ی مردم، توفیق حاصل نمی‌کند و شهر رشت در این دوره از داشتن نماینده محروم می‌گردد».<sup>۵</sup>

### هجرت آیت الله رسولی به تهران

آیت الله رسولی مدت‌ها زیر فشار و شکنجه مزدوران رضا خان قرار داشت. تبعید به پایان رسید ولی فشار و اختناق برای حضور ایشان به حدی بود که نتوانست در رشت

۱. عبدالله شهبازی، پیشین، ص ۲۵۵.

۲. رضا رضازاده لنگرودی پیشین، ص ۹۸.

۳. حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاخان، تهران، عروج، ۱۳۸۵ش، ص ۴۳۶.

۴. روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۰۰.

۵. ابراهیم فخرایی، رجال صدر مشروطیت، میرزا احمد قزوینی، یغما، فروردین ۱۳۳۸، شماره ۱۲۹، ص ۴۵. با کمال تعجب، ابراهیم فخرایی که سابقه مبارزاتی در نهضت جنگل دارد، این مقاله را در دفاع از عمارلویی منتشر کرده است. سردبیر مجله یغما لازم دیده که مخالفت خود را با ادعای فخرایی در پایان مقاله اعلام کند و بر فخرایی خرده گرفته است: «در هنگام تصحیح مطبعی این مقاله توجه شد که [عمارلویی] خواسته است به زور سرنیزه از رشت وکیل شود و مردم شرافتمند گیلان زیر بار نرفته اند!... اللهم الجعل عواقب امورنا خیرا.» (همان)

بماند و به تهران رفت. شمس گیلانی در سال ۱۳۲۶ درباره آیت الله رسولی می‌گوید: «از رجال سیاسی رشت صدمات زیادی متوجه او شده و از گیلان رنجیده، مهاجرت به شهر تهران نموده. امروز [سال ۱۳۲۶ ش] از برجستگان آن دیار و از مدرسین آن سامان است».<sup>۱</sup>

ایشان که مجتهد مسلم و از علمای خودساخته بود، به محض ورود به پایتخت مورد توجه علما و بزرگان قرار گرفت و به تدریس سطوح بالا در حوزه علمیه تهران مشغول شد و در بازار کفاشان - مسجد امامزاده زید - به اقامه نماز جماعت پرداخت.<sup>۲</sup> البته به خاطر سابقه مبارزاتی طولانی ای که داشت از زمان ورود تا سال ۱۳۲۰ - که رضاخان از کشور فرار کرد - تحت نظر بود. از این سال کمی فضا باز شد و آیت الله رسولی توانست فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی اش را گسترش دهد.

در آن سال‌ها مطبوعات به طور عمده توسط غریب‌زادگان اداره می‌شد. علما به حمایت از معدود مجلات دینی، پرداختند و مردم را به اشتراک آنها ترغیب کردند. از مهم‌ترین این اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ی ۹ نفر از برجسته‌ترین علمای تهران در دی ماه ۱۳۲۴ ش است که مردم را «به اشتراک و مساعدت به روزنامه آیین اسلام ترغیب کرده بودند».<sup>۳</sup> در پای این بیانیه امضای آیت الله شیخ باقر رسولی نیز به چشم می‌خورد. یک سال بعد نشریه «آیین اسلام» فهرستی را با عنوان «کسانی که به روزنامه آیین اسلام خدمت کرده اند» منتشر کرد. آیت الله رسولی از اولین افرادی بود، که نامش در لیست موجود بود.<sup>۴</sup>

آیت الله رسولی یکی از علمای بزرگ پایتخت به حساب می‌آمد. وی در کنار حدود ۱۰ نفر از علمای دیگر از جمله آیت الله کاشانی، آیت الله سیدمرتضی لنگرودی

۱. حسن شمس گیلانی، پیشین، ص ۱۲۸.

۲. صادق احسانبخش، پیشین، ص ۲۵۵.

۳. بیانیه علما برای مساعدت روزنامه آیین اسلام مندرج در مجله آیین اسلام، ۲۱ دی ۱۳۲۴، شماره ۹۴، ص ۴. گفتنی است که نسخه چاپی این اعلامیه با امضای آیت الله رسولی در آرشیو دفتر مطالعات مبارزات اسلامی گیلان موجود است.

۴. کسانی که به روزنامه آیین اسلام خدمت کرده اند، مجله آیین اسلام، ۱ مهر ۱۳۲۵ ش، شماره ۱۳۰، ص ۲۵.





و... «هیأت علمیه» ای را تشکیل داده بودند و در مسائل مذهبی و سیاسی و اجتماعی نظر می‌دادند و رهبری مردم را بر عهده داشتند. بعضی از تاریخنگاران این هیأت علمیه را در آمدی بر «جامعه روحانیت مبارز تهران» می‌دانند.<sup>۱</sup>

### مبارزات مردم رشت در انتخابات پانزدهمین دوره مجلس

آیت الله کاشانی برگزاری انتخابات آزاد و راه یافتن نمایندگان حقیقی مردم به مجلس را مؤثرترین راه برای انجام اصلاحات و بهبود اوضاع موجود می‌دانست و بیش از یک سال مانده به انتخابات دوره ۱۵ مجلس شورای ملی شروع به فعالیت و تلاش کرد تا نیروهای متعهد را در تمام کشور گرد هم آورد. تلاش‌های آیت الله کاشانی ثمر داد و در مدت کوتاهی نیروهای متعهد در سراسر کشور به این مسأله واقف شدند که تاکتیک مبارزه در این زمان، وارد شدن نمایندگان متعهد به مجلس شورای ملی است.

آیت الله کاشانی دوستان و آشنایان مورد اعتماد خود را برای کاندیداتوری به شهرهای مختلف گسیل داشت. آیت الله شیخ باقر رسولی از علمای بنام و مدرسین با سابقه تهران که قبلاً سابقه کاندیداتوری از رشت را در زمان رضاخان تجربه کرده بود و آخرش به زندان، شکنجه و تبعید ختم شده بود و خاطره خوشی از کاندیداتوری نداشت. علاوه بر اینکه ورود او به عرصه‌ی کاندیداتوری مجلس در آن زمان در شأن او نبود. اما وقتی دید که آیت الله کاشانی بهترین کسی را که برای گیلان می‌تواند بفرستد اوست، آمادگی خود را اعلام کرد، چرا که انجام وظیفه شرعی را به مراتب مهم تر از رعایت شئون اجتماعی می‌دانست. از طرف دیگر، عده‌ی از متدینین و بازاریان متدین گیلان ایشان را دعوت کردند تا در رشت کاندیدا شود. آیت الله رسولی دعوت مردم رشت را پذیرفت و به سوی رشت رهسپار شد. مردم با اعزاز و تجلیل فراوانی از آیت الله رسولی استقبال کرده و او را وارد رشت کردند.<sup>۲</sup>

۱. رسول جعفریان، جریانها و سازمان‌های سیاسی - مذهبی ایران - سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۵۷، چ پنجم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰.

۲. حسن شمس گیلانی، پیشین، ص ۱۲۸. شمس گیلانی درباره آیت الله رسولی چنین می‌نویسد که «در سنه ۱۳۲۶ آن جناب را دعوت به گیلان نمودند و با تجلیل تمام به شهر رشت که موطن اصلی او بود وارد که شاید از طرف گیلانیان وکیل گردد.» (همان)

آیت الله کاشانی در خرداد سال ۱۳۲۵ ش سلسله مسافرت‌هایی را به شهرهای مهم ایران آغاز کرد. هدف از این مسافرت‌ها سازماندهی نیروهای متعهد در اکثر نقاط کشور و نیز دعوت از مردم برای شرکت در انتخابات بود. انتخابات تا آن زمان به صورت فرمایشی برگزار می‌شد و مردم رغبتی به شرکت در انتخابات نشان نمی‌دادند. انتخابات دوره ۱۵ با بقیه دوره‌ها فرق داشت، در گیلان یکی برجسته‌ترین فقها و مجتهدین کشور و از نزدیک‌ترین دوستان آیت الله کاشانی کاندیدا شده بود. استقبال فراوان مردم گیلان از آیت الله رسولی، باعث شده بود که آیت الله کاشانی، گیلان را از آماده‌ترین نقاط کشور برای انتخاب نیروهای متعهد تشخیص دهد، به همین خاطر اولین مسافرت از سلسله مسافرت‌ها را به گیلان انجام دهد. آیت الله کاشانی در ۲ خرداد ۱۳۲۵ وارد بندر انزلی شد. در هر شهری با مردم و علما و بازاریان دیدار و سخنرانی‌هایی می‌کرد که وکیل باید متعهد به اسلام باشد و مردم متدین باید به این وکلا رای دهند. مامورین شهربانی و آگاهی نیز که از ورود ایشان به گیلان وحشت داشتند، او را در همه جا دنبال می‌کردند و مراقب بودند که اتفاقی نیفتد. مامورین لحظه به لحظه سفر آیت الله کاشانی را گزارش می‌کردند. آیت الله کاشانی روز ۳ خرداد در رشت، ۴ خرداد در لاهیجان، ۵ خرداد در لنگرود، ۶ خرداد در رودسر و در روز ۷ خرداد وارد استان مازندران شدند. به این ترتیب سفر ایشان به گیلان پایان پذیرفت.<sup>۱</sup> آیت‌الله کاشانی در این سفر کاندیداهای متعهد را معرفی و به مردم توصیه می‌کرد که به آنها رای دهند. این سفر برای آشنایی مردم شهرهای مختلف گیلان با کاندیداهای متدین بسیار موثر بود.

مدتی بعد رقابت انتخاباتی آغاز گشت. در آن زمان از رشت ۲ نماینده به مجلس فرستاده می‌شد. نیروهای متدین و بازاریان رشت، آیت الله شیخ باقر رسولی را به همراه یکی از روحانیون رشت به نام «شیخ باقر رسا»<sup>۲</sup> به کاندیداتوری انتخاب کردند. این نگرانی وجود داشت که انتخابات این دوره نیز مثل اکثر دوره‌های قبل تنها یک انتخابات

۱. روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، صص، ۳۳۹-۳۴۵.

۲. شیخ باقر رسا از روحانیون رشت بود که در زمان رضاخان از لباس روحانیت خارج شده و همان زمان مدتی ریاست عدلیه گیلان را بر عهده داشت. (رضا رضازاده لنگرودی، پیشین، ص ۱۰۰).

## زندگی و مبارزات آیت الله شیخ محمد باقر رسولی رشتی

فرمایشی باشد که نتایج اش از قبل معلوم است. چند مشکل عمده بر سر راه کاندیداهای جریان متعهد وجود داشت؛ مشکل اول قوام السلطنه - نخست وزیر - بود که توسط حزب دموکرات در تمام شهرها، نیروهای قوی داشت که توانایی دخالت در انتخابات را داشتند. مشکل دیگر حزب توده بود که طرفداران زیادی داشت و مورد حمایت بی دریغ دولت شوروی بود و در انتخابات می توانست به نفع شوروی خلل ایجاد کند. مشکل سوم خاندان اشرافی گیلان بود که معروف ترین آنها «خاندان اکبر» و «خاندان امینی» بود. این خاندانها به واسطه قدرت و پولی که در اختیار داشتند و نیز حمایتی که از سوی انگلیس می شدند در اکثر مجالس شورای ملی از ابتدای مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگانی از گیلان داشتند. در اغلب انتخابات فرمایشی، اعضای وابسته به همین خاندان، به عنوان وکیل انتخاب می شدند. خاندان اشرافی وابسته، تامین کننده مطالبات دربار و دولت انگلیس بودند. این ۳ مشکل مبارزه‌ی سخت را پیش روی جریان متعهد به نمایش می گذاشت.

«حسن اکبر» و «ابوالقاسم امینی» دو کاندیدای خاندان اشرافی گیلان برای انتخابات بودند. این دو مورد حمایت دربار و خاندانهای ثروتمند شمال قوام السلطنه و حزب دموکرات بودند. در واقع جریانهای مخالف، بر سر این دو کاندیدا به اجماع رسیدند. مبارزات انتخاباتی گرمی شروع شد و برای اولین بار بود که مردم چنین در تکاپو بودند. جریان مخالف که رقابت سختی را در مقابل خود می دید، به صورت جدی وارد گود شد. دخالتهای زیاد قوام السلطنه از طریق حزب دموکرات و ادارات دولتی، مخالفتهای بسیاری را برانگیخت و گروههای مختلف به اعتراض پرداختند. حتی حزب توده انتخابات رشت را تحریم کرد و اعلام کرد که در انتخابات شرکت نمی کند. مقابله با رژیم به دانش آموزان نیز سرایت کرده بود. یکی از دانش آموزانی که در آن ایام در تظاهرات دانش آموزی در حمایت از «شیخ باقر رسولی» و «شیخ باقر رسا» حضور داشت چنین می گوید:

«ما که دانش آموز بودیم از دبیرستانهای مختلف به طرف میدان شهرداری به عنوان اعتراض به نحوه انتخابات این دوره حرکت کردیم. وقتی به میدان رسیدیم تقریباً تمام

میدان و خیابانهای اطراف مملو از جمعیت بود. در مدخل میدان، سرهنگ غفاری که رئیس شهربانی رشت بود، مقابل صف دانش آموزان ایستاد و توصیه کرد متفرق شویم، اما دانش آموزان که من هم جزو آنان بودم بدون توجه به هشدارهای او به سوی بازار حرکت کردند و در مسجد کاسه فروشان (مسجد جامع رشت) اجتماع کردند. در این جریان هیچ یک از دانش آموزان توده‌ای شرکت نداشت. در مسجد کاسه فروشان یکی از معلمان فاضل که عربی درس می‌داد به نام آقای تائب<sup>۱</sup> سخنرانی کرد.<sup>۲</sup>

اعتراضات ادامه داشت دهها نفر از علمای رشت در طبقه آخر ساختمان پست و تلگراف متحصن شدند و خواهان رفع تبعیض شدند. بازار رشت بسته شد و فضا ملتهب گردید و مدتی ادامه پیدا کرد ولی متحصنین نتوانستند در رسیدن به مطالبات خود موفق شوند. نیروهای دولتی و ثروتمندان که در دربار نفوذ زیادی داشتند از کاندیداهای خاندان‌های اکبر و امینی حمایت می‌کردند. آنها برای رسیدن به هدف شان از هر راهی استفاده می‌کردند. این مسأله باعث به وجود آمدن درگیری در رشت شد.<sup>۳</sup>

در روز انتخابات مردم با شور و شوق زیادی پای صندوق‌های رای رفتند و به منتخبین خود رای دادند ولی نگران بودند که نتیجه‌ی دیگری از صندوق بیرون آید. پس از شمارش آراء؛ نام «حسن اکبر» و «ابوالقاسم امینی» از صندوق در آمد. تلاش و فعالیت آیت الله رسولی، نیروهای متعهد و بازاریان رشت مثمر ثمر واقع نشد.

حسن شمس گیلانی که در آن زمان شاهد وقایع بود می‌نویسد: «چون دنیا همیشه مخالف متدینین و رجال علم است و دسایس خارجی نگذاشت که مولانا [آیت الله

۱. مرحوم تائب از معلمین عربی دبیرستان‌های رشت بود و در مجلات اسلامی روز قلم می‌زد و از مریدان آیت الله رسولی بود که از زمان مسجد «بادی الله» به او اردات ویژه داشت و برای انتخاب آیت الله رسولی تلاش بسیاری کرد. (مصاحبه با استاد احمد سمعی گیلانی درباره آیت الله خمینی، مندرج در سایت رنگ ایمان)

۲. مرتضی رسولی پور، فعالیت سیاسی دانشجویان در دهه ۱۳۲۰؛ مصاحبه با دکتر علی فروحی، تاریخ شفاهی سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. [www.iichs.org](http://www.iichs.org)

۳. صادق احسانبخش، پیشین، ص ۲۵۵. مرحوم احسانبخش که در آن روزها در رشت حضور داشت می‌گوید: «دستگاه‌های دولتی می‌خواستند اکبری‌ها را به مجلس بفرستند. در طبقه آخر پست و تلگراف دهها عالم بزرگوار و مشهور متحصن شدند و روزها بازار رشت تعطیل بود. متحصنین نتوانستند کاری از پیش ببرند.» (همان)

رسولی] وکیل گردد». البته این مسأله مختص رشت نبود بلکه علی رغم تلاش‌های مستمر آیت الله کاشانی برای انتخاب کاندیداهای جریان اسلامی در سراسر کشور، هیچ نماینده‌ای از جریان اسلامی انتخاب نشد! فقط در تهران بر اثر پافشاری نیروهای متعهد و نظارت آنها بر صندوق‌ها و شمارش آرای مردم، چند نفر از این طیف انتخاب شدند. البته همین عده هم بسیار مؤثر بودند و برای اولین بار بحث ملی شدن صنعت نفت را مطرح کردند و ملی شدن صنعت نفت، به مجلس شانزدهم کشید. در این مجلس نمایندگان متعهد بیشتری انتخاب شدند و مصدق به نخست وزیری انتخاب و نفت ملی شد که از پیروزی‌های بزرگ ملت ایران به شمار می‌رفت. آیت الله رسولی دوباره به تهران بازگشت و به تدریس علوم دینی و ترویج معارف الهی مشغول شد.

مبارزات انتخاباتی در این دوره به مردم گیلان ثابت کرد که چه در انتخابات شرکت کنند و چه شرکت نکنند نتیجه معلوم است؛ چون در دوره‌های قبل که مردم کمتر در انتخابات شرکت می‌کردند کاندیداهای خاندان‌های اکبر، امینی و سمیعی به مجلس می‌رفتند. در این مجلس هم که استقبال مردم بسیار زیاد بود باز کاندیداهای همین عده به مجلس راه یافتند. در دوره بعدی - دوره ۱۶ - مجلس هم که استقبال مردم به نحو چشمگیری کم شده بود باز همین دو نماینده به مجلس راه یافتند! این مسائل باعث بی‌رغبتی مردم به انتخابات مجلس شورای ملی شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات‌ها به همین نحو برگزار می‌شد.

### انزوای سیاسی

از زمانی که آیت الله کاشانی وارد فضای سیاسی کشور شد و رهبری سیاسی مردم ایران را بر عهده گرفت، نقطه عطفی در مبارزات به وجود آمد. آیت الله رسولی که سابقه رفاقت چندین ساله - از زمان ورود به تهران - با آیت الله کاشانی داشت و به طور کامل با آراء و افکار آیت الله کاشانی آشنایی داشت چه در قالب «هیأت علمیه تهران» و چه به صورت شخصی از آیت الله کاشانی حمایت کرد.

زمانی هم که دکتر مصدق به حمایت آیت الله کاشانی پشت گرم بود و بحث ملی



شدن صنعت نفت را پیگیری می‌کرد از بزرگترین علمایی که به حمایت از آنها برخواست آیت الله رسولی بود.<sup>۱</sup> از طریق همین حمایت‌ها، نفت ملی شد و یکی از مبارزات اسلامی مردم ایران به ثمر نشست. اما کمی بعد مصدق به قرار هایش پایبند نماند و دیکتاتوری ای همانند دیکتاتوری شاه برای خودش ایجاد کرد و باعث جدایی آیت الله کاشانی و سایر علما از جبهه ملی شد.

سال‌ها به صورت هفتگی در منزل آیت الله کاشانی جلسه روضه برگزار می‌شد. این جلسه محل تبادل اطلاعات و مشورت با علما و بزرگان و هم محل دیدار با بزرگان بود. شب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۲ش در خانه آیت الله کاشانی جلسه روضه برگزار بود. آیت الله کاشانی هم در میان جمعیت نشسته بود. در همین موقع آیت الله رسولی وارد شد. آیت الله کاشانی او را در کنار خود نشانده و با هم مشغول صحبت شدند. صحبت‌هایی را که آیت الله کاشانی با سایرین، حتی دوستان و مریدانش نمی‌توانست مطرح کند با آیت الله رسولی مطرح می‌کرد. یکی از مخبرین دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه چنین می‌نویسد:

«کاشانی با «شیخ باقر رسولی» که گویا کاندیدای نمایندگی از رشت بوده به طور خصوصی مشغول صحبت بودند. کاشانی به «شیخ باقر» می‌گفت روزی که آقای دکتر مصدق نخست وزیر شد گفت: «برنامه من فقط نفت است» ولی فعلاً در تمام شئون کشور به زور سرنیزه دخالت می‌کند و هر روز بلوایی برای مشغول نمودن مردم ایجاد می‌کند و نمی‌دانم چرا کنار نمی‌رود...»<sup>۲</sup>

دو ماه بعد از این دیدار فضل الله زاهدی از طرف آمریکا ماموریت یافت تا کودتایی را علیه دولت مصدق انجام دهد. زاهدی کودتای ۲۸ مرداد را ترتیب داد و با حمایت آمریکا، تاج شاهی را به محمدرضا بازگرداند و خودش نخست وزیر شد.

### رحلت

چند ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، آیت الله رسولی بعد از یک عمر تلاش مجاهدانه و مستمر در سال ۱۳۳۲ش رحلت کرد. در اثر این واقعه بازار تهران به کلی بسته شد و

۱. صادق تهرانی، از نهضت ملی شدن نفت تا کودتا، مجله مطالعات تاریخی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۸، ص ۳۰.

۲. روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۲، پیشین، ص ۵۴۱.



## زندگی و مبارزات آیت الله شیخ محمد باقر رسولی رشتی

پیکر آیت الله رسولی از بازار تهران روی دوش مردم عزادار تشییع شد. جمعیت بسیاری جمع شدند و یکی از علمای تهران سخنرانی مهیجی ایراد کرد و گفت: «ای مردم، این جنازه که در دست شماسر روزگاری سرلشکر زاهدی نخست وزیر، در زمان استانداری اش در گیلان، ریش این عالم را تراشید و او را به زندان و تبعید محکوم نمود». به خاطر حساسیت زاهدی بر آیت الله رسولی، کسی موفق نشد مبارزات وی را برای مردم بازگو کند. پیکر آیت الله رسولی را به قم منتقل کردند و در مسجدی که در جوار حرم حضرت معصومه علیها السلام تازه بنا کرده بودند در قسمت قبله حرم شریف دفن کردند.<sup>۱</sup> اکنون آن مسجد خراب شده و آن زمین بخشی از صحن حرم حضرت معصومه شده است و هیچ آثاری از قبرهایی که در آنجا بود وجود ندارد.

فهرست منابع

۱. احسانبخش، صادق، دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، رشت، صادقین، ۱۳۸۰.
۲. بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاخان (نظری بر عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیون در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۲۰)، چ سوم، تهران، عروج، ۱۳۸۵.
۳. تهرانی، صادق، از نهضت ملی شدن نفت تا کودتا، مجله مطالعات تاریخی، تابستان ۱۳۸۴، ش ۸.
۴. جعفریان، رسول، جریانها و سازمان‌های سیاسی- مذهبی ایران- سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، چ پنجم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. رسولی پور، مرتضی، فعالیت سیاسی دانشجویان در دهه ۱۳۲۰؛ مصاحبه با دکتر علی فروحی، تاریخ شفاهی سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. [www.iichs.org](http://www.iichs.org)
۶. رضازاده لنگرودی، رضا، یادگارنامه فخرایی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
۷. شمس‌گیلانی، حسن، تاریخ علما و شعرای گیلان (مختصری از شرح حال رجال گیلان)، تهران کتابفروشی و چاپخانه دانش، ۱۳۲۷.
۸. شهبازی، عبدالله، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، چ سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰.
۹. فخرایی، ابراهیم، رجال صدر مشروطیت میرزا احمد قزوینی، مجله یغما، فروردین ۱۳۳۸، ش ۱۲۹.
۱۰. کاشانی، سید محمود، آیت الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات، ج ۲، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۱. مهربان، رسول، مقدمه‌ی بر قضیه‌ی نهضت جنگل، مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۸۴، ش ۲۲۲ و ۲۲۳.
۱۲. روحانی مبارز آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹.
۱۳. بیانیه علما برای مساعدت روزنامه آئین اسلام مندرج در مجله آیین اسلام، ۲۱ دی ۱۳۲۴، ش ۹۴.
۱۴. روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۵.
۱۵. فصلنامه پیام بهارستان، دوره دوم، سال سوم، تابستان ۱۳۹۰، ویژه نامه تاریخ مجلس ۲ ضمیمه ش ۱۲.
۱۶. گفتگوی نگارنده با آقای احمد سمیعی نوه آیت الله حاج ملا محمد خمایی، مندرج در سایت رنگ ایمان.
۱۷. گفتگوی نگارنده با آقای شهریار نجفی جیلانی نوه آیت الله جیلانی.
۱۸. مجله آیین اسلام، ۱ مهر ۱۳۲۵ ش، ش ۱۳۰.
۱۹. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶.

